



حق با کیست، هوادار، طارمی یا برانکو؟

منشاد چار نشود!

در این زمینه چه کسی را باید مقصر اصلی دانست؟ آیا لیدر و هوادار در این زمینه مقصر اول و آخر است؟ چرا طارمی تا دقایق پایانی فصل نقل و انتقالات در تمرینات بدن سازی شرکت نکرد، او به چه دلیل باید بازیکن همیشه ثابت تیم باشد، اما نعمتی و منشای روی نیمکت بنشینند؟ رضاییان سال گذشته به همین موارد اشاره داشت و می گفت اگر اقدام من و مهدی طارمی خلاف بوده، چرا تنها من باید تاوان بدهم؟

در این راستا باید اولاً به محمود خردبین خرده گرفت و اولین ایراد را متوجه او نمود. خردبین به دلیل تجارب گذشته و سالها سرپرستی در این باشگاه باید در زمان و مکان لازم نقش آفرینی کند و اجازه ندهد این حواشی راه را در مسیر غلطی قرار بدهد. ثانیاً برانکو باید بداند، مدیریت در پرسپولیس نیازمند ظرافتها و برخی اقدامات متناسب است. تیم فعلی از نفرات قابلی برخوردار بوده و از جهات مختلف در لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا دارای شخصیت قهرمانی است. باید از همه ظرفیتهای تواناییهای نفرات به بهترین شکل بهره برد و در مقاطع مختلف با تغییرات تاکتیکی و استفاده مناسب از ذخیره ها، خون تازه به کالبد تیم تزریق کرد. برانکو در این زمینه از شجاعت لازم برخوردار نیست و همیشه دست به عصا و محتاط عمل می کند. این موضوع باعث از دست رفتن یکپارچگی و وحدت تیم شده و نیمکت ذخیره را دچار تشتت می کند...

شاید مشاوره کریم باقری و دیگر دستیاران بتواند این گره همیشگی را باز و موجب نمایش بهتر تیم پرسپولیس با حضور به موقع ذخیره ها به زمین شده و نتایج درستی بدست آید

جامگان کارساز نیست!

البته هیچکس با تندخویی برخی هواداران و شعارهای پر خاشگرا نه آنها موافق نیست. طارمی بازیکن زحمتکشی است که تمام توان خود را برای موفقیت پرسپولیس معطوف می دارد، اما او و دیگر نفرات تیم باید پیام نارضایتی تماشاگر و هوادار را دریافت کنند و به برطرف کردن نقایص کار خود بپردازند.

شاید برخی لیدرها در پررنگ کردن این وقایع نقش داشته باشند و ما آن را رد نمی کنیم، اما به وضوح دیدیم که تماشاگران از عدم همکاری با منشای نچیده خاطر هستند و...

سال گذشته هم این وقایع تکرار شد و خروج ساسان انصاری از پرسپولیس را به همراه داشت و برخورد قهری با رضاییان حاشیه سازی را به اوج رساند و در نهایت موجب جدایی رضاییان شد. بازیکنان او کرابینی هم که معلوم نشد از چه کانالی وارد تیم شدند به نیمکت نشینانی دائمی تبدیل شدند، بی آنکه آب از آب تکان بخورد و کسی جواب هوادار را بدهد!

در فصل جاری هم در آستانه بازی مهم با الاهلی بار دیگر حاشیه ها بر متن غلبه کرده و با خروج کامیابی نیاز لیست هجده نفره، بحث نیمکت نشینی سیامک نعمتی و عدم همکاری با منشای همه چیز را تحت الشعاع قرار داده و معادلات تیمی را بر هم زده است. بشمار رسن هم که به تازگی به جمع سرخپوشان ملحق شده سرنوشتی مبهم دارد و چه بسا به سرنوشت ساسان انصاری و سیامک نعمتی و گادوین

حاشیه سازی اخیر در پرسپولیس از کجا ناشی می شود؟ چه کسی مقصر است و چه دستهایی در بروز این حواشی نقش ایفا می کند؟ وقوع صحنه های آشکار و روشن درون زمین و نیمکت ذخیره ها و تکرار آن در تمرینات روزانه باعث تقویت شایبه های می شود و هوادار رابه واکنش وامی دارد.

در روزهای گذشته، اقدام کامیابی نیا در تمرینات با واکنش فوری برانکو روبرو شد. چون او پیشتر نمونه این اقدامات را از سوی رامین رضاییان و مهدی طارمی دیده بود. در بروز این حواشی هواداران هیچ نقشی نداشتند و اتهام زنی به آنها کاملاً بی اساس است. یک هفته قبل هم از ناحیه گادوین منشای بحث پاس ندادن بازیکنان به او مطرح شد که بلافاصله با عکس العمل دیگران مواجه شد. کاپیتان و نفرات اصلی پرسپولیس این نظرات منشای را رد کردند و پررنگ کردن این موضوع را با حاشیه سازی رسانه هامر تبط دانستند و...

در دیدار با سپاه جامگان بار دیگر همگان به عینه دیدند، که طارمی و دیگر هافبکها به منشای پاس نمی دهند. حتی در نیمه اول به کرات دیده شد که احمد زاده و طارمی به نفرات کناری خود که موقعیت بهتری دارد هم پاس نمی دهند!

این صحنه ها مثل روز روشن مقابل دیدگان تماشاگران و هواداران قرار گرفت و با عکس العمل آنها مواجه شد، بنابراین باید به اصلاح امور پرداخت. نگاه منفی نسبت به هواداران و متهم کردن لیدرها و نقش داشتن عوامل بیرونی در بروز حوادث رخ داده در بازی با سپاه

فرهاد وارد گود شد

مجیدی از مهدوی کیا الگو گرفت

بازیکنان نام آشنای کشور برای پیوستن به صف مربیان و حضور موثر در فوتبال ایران، باید الفبای کار را بخوبی بیاموزند. در این زمینه مهدوی کیا و وحید هاشمیان الگوی درستی به همبازبان قدیمی خود معرفی کردند. حضور در کلاس های بین المللی مربیگری و شروع کار در رده نونهالان و نوجوانان در اروپا اقدام خوبی است که باید در باشگاههای ایران هم توسط دیگران الگو برداری شود. فرهاد مجیدی ستاره محبوب فوتبال ایران و تیم استقلال بعد از مدتها سکوت و خاموشی، بالاخره دست به کار شد و برای مربیگری با تیم زیر شانزده ساله های تیم اسپانیول به توافق رسید. فرهاد ۴۱ ساله که اخیراً در دوره های متعدد کلاس مربیگری مشارکت جدی داشته، با آغاز کار در مقاطع پایه در اسپانیا به نحوی ظریف برای آینده فوتبال خود و تیم استقلال خط و نشان کشید. توصیه اصولی به مجیدی داریم و آن داشتن یک برنامه پنج ساله با تیم اسپانیول و فراگیری علوم روز در اسپانیا و تجربه اندوزی است. اگر چه دورنمای ذهنی او حضور در فوتبال ایران و پیوستن به استقلال است و از این جهت نمی توان به مجیدی خرده گرفت، اما می توان به او یاد آور شد تا در این مسیر، شتابزده و با عجله اقدام نکند. حرکت گام به گام در فوتبال اروپا و باشگاه اسپانیول و ارتقا سطح دانش توسط فرهاد به جهات مختلف به سود فوتبال ایران خواهد بود، تا در دهه آینده نام آورانی چون مهدوی کیا، وحید هاشمیان، فرهاد مجیدی و جواد نکونام جای مربیان بزرگ کشور بگذارند و اداره فنی فوتبال ایران را در رده های نوجوانان، جوانان، امید و تیم ملی عهده دار شوند.

